

بررسی رابطه هوش معنوی با خلاقیت دانش آموزان دوره متوسطه

زهرا عطایی زنجانی نژاد^{۱*}، غلامحسین انتصار فومنی^۲

^۱ دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان: zahraataei339@yahoo.com

^۲ استادیار روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان: ghfoumany@yahoo.com

چکیده

هدف اصلی این پژوهش مطالعه رابطه هوش معنوی با خلاقیت دانش آموزان بود، برای نیل به هدف مذکور علاوه بر مطالعات نظری و بررسی ادبیات پژوهش، داده ها به وسیله دو پرسشنامه استاندارد هوش معنوی و خلاقیت جمع آوری گردید که پایایی آن ها به ترتیب ۰.۸۹ و ۰.۸۵ به دست آمد. جامعه آماری پژوهش، شامل ۱۱۱۴۹ نفر دانش آموزان دوره دوم متوسطه دولتی در ناحیه ۲ شهر زنجان بود که از بین جامعه مذکور تعداد ۳۶۰ نفر به عنوان نمونه آماری با روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای انتخاب شدند. روش پژوهش به لحاظ هدف کاربردی و از نظر چگونگی جمع آوری داده ها از نوع توصیفی - همبستگی بود. با تحلیل داده ها از طریق شاخص های آمار توصیفی و استنباطی نتایج نشان داد که به طور کلی دانش آموزان مورد مطالعه از نظر هوش معنوی و خلاقیت بالاتر از میانگین فرضی جامعه قرار دارند. هم چنین رابطه معنی داری بین هوش معنوی با خلاقیت دانش آموزان وجود داشت به طوری که این رابطه در حدی بود که متغیر مذکور توان پیش بینی خلاقیت را نیز دارا بود.

کلمات کلیدی: هوش معنوی، خلاقیت، دانش آموزان متوسطه

۱. مقدمه

اهمیت و ضرورت طرح موضوع معنویت و مذهب، به ویژه هوش معنوی، از جهات گوناگون در عصر جدید احساس می شود. یکی از این ضرورت ها در عرصه انسان شناسی، توجه به بعد معنوی انسان از دیدگاه دانشمندان، به ویژه کارشناسان سازمان بهداشت جهانی، است که اخیراً انسان را موجودی زیستی، روانی، اجتماعی و معنوی تعریف می کنند (هافدان ماهر، سازمان بهداشت جهانی، ۱۹۷۳).^۱ ضرورت دیگر این موضوع ظهور دو

باره کشش معنوی و نیز جستجوی درک روشن تری از ایمان و کاربرد آن در زندگی، هم چنین گسترش معنویت و مذهب در همه زوایای زندگی انسان و نیز لزوم ارزیابی مجدد نقش مذهب در بهداشت روانی است. پژوهش در باره معنویت امروزه در رشته های متنوعی از قبیل پزشکی روان شناسی، انسان شناسی، عصب شناسی و علوم شناختی در حال پیشرفت است. در راستای این جهت گیری معنوی و به موازات بررسی رابطه بین دین و معنویت و دیگر مؤلفه های روان شناختی، هوش معنوی مطرح شده است.

پیدایش سازه هوش معنوی را باید به عنوان کاربرد ظرفیت ها و منابع معنوی در زمینه ها و موقعیت عملی در نظر گرفت، به عبارتی افراد زمانی هوش معنوی را به کار می برند که بخواهند از ظرفیت ها و منابع معنوی برای تصمیم گیری های مهم و اندیشه در موضوعات وجودی یا تلاش در جهت حل مسائل روزانه استفاده کنند (ایموز،^۲ ۲۰۰۰، نقل از رجائی، ۱۳۸۹). تحقیق در مورد خلاقیت و عناصر تشکیل دهنده آن، بیش از یک قرن پیش توسط دانشمندان علوم اجتماعی شروع شد، ولی انگیزه اساسی برای پژوهش بیشتر در سال ۱۹۵۰ توسط گیلفورد^۳ ایجاد گردید. گیلفورد خلاقیت را با تفکر واگرا (دست یافتن به رهیافت های جدید برای حل مسائل) در مقابل تفکر همگرا (دست یافتن به پاسخ صحیح) مترادف می دانست (شهرآرای و مدنی پور، ۱۳۷۵: ۳۹).

کوونتز^۴ (۱۹۸۸) خلاقیت را به معنای توانایی و قدرت پدیدآوری اندیشه های جدید تعریف نموده است (سام خانیان، ۱۳۸۲). امروزه همه جوامع بشری به خلاقیت نیاز مبرم دارند. خلاقیت رمز اصلی و اساس پیشرفت و مانع وابستگی یک جامعه پویاست. خلاقیت گذرگاه با نشاط حال به سوی آینده است. خلاقیت متعلق به تمام افراد جامعه است و همه می توانند این روحیه و نیاز اصلی روان انسان را در خود و دیگران تقویت نمایند و زمینه رشد استعدادهای عملی و معنوی وجود انسانی را فراهم کنند. این امر مهم در همه عرصه های زندگی یک

1. Halfdan Mahler, WHO.1973

2 -Eimunz. 2000

3. Gilfoord.1950

4-Koontz.

1-Koontz.1998